



درس خارج فقه نظام سیاسی آیت الله اراکی رحمته الله

عنوان درس:	فقه نظام سیاسی	جلسه ۴۶	تاریخ درس:	۱۳۹۹/۱۱/۱۱
عنوان فرعی ۱	اجرای عدل؛ اولین وظیفه رهبری			
عنوان فرعی ۲	عدل سیاسی			
عنوان فرعی ۳	مبحث دوم: اصول حاکم بین رابطه ولیّ عام با مدیران			
مقرر:	حجت الاسلام محمد علی زحمت کش			

گفتیم که یکی از وظایف مدیریت و حاکمیت در نظام سیاسی اسلام، مهربانی و شفقت و رحمت نسبت به مردم است؛ در این رابطه به آیاتی اشاره کردیم، از جمله:

«عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رِءُوفٌ رَحِيمٌ»^۱؛

و نسبت به مؤمنان، رئوف و مهربان است!

«وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ»^۲؛

ما تو را جز برای رحمت جهانیان نفرستادیم.

آیه دیگری که در این رابطه وجود دارد، آیه ذیل است:

«وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَا يَزَالُ النَّاسُ مُخْتَلِفِينَ * إِلَّا مَن رَّحِمَ رَبُّكَ وَلَئِنَّكَ خَلْقُهُمْ»؛

و اگر پروردگارت می خواست، همه مردم را یک امت (بدون هیچ گونه اختلاف) قرار می داد؛ ولی آنها همواره مختلفند... * مگر کسی را که پروردگارت رحم کند! و برای همین (پذیرش رحمت) آنها را آفرید!

این آیه در روایت بسیار قوی و صحیح که مرحوم کلینی نقل می کند تفسیر شده است:

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي نَصْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُمَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحَدَّاءِ قَالَ:

۱. سورة توبه: ۱۲۸.

۲. سورة انبياء: ۱۰۷.

۳. سورة هود: ۱۱۸ و ۱۱۹.

سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام عَنِ الْإِسْطِطَاعَةِ وَقَوْلِ النَّاسِ فَقَالَ وَتَلَا هَذِهِ الْآيَةَ «وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ إِلَّا مَنْ رَحِمَ رَبُّكَ وَلِذَلِكَ خَلَقَهُمْ» يَا أَبَا عُبَيْدَةَ! النَّاسُ مُخْتَلِفُونَ فِي إِصَابَةِ الْقَوْلِ وَكُلُّهُمْ هَالِكٌ. قَالَ قُلْتُ قَوْلُهُ «إِلَّا مَنْ رَحِمَ رَبُّكَ» قَالَ: هُمْ شِيعَتُنَا وَرَحْمَتِهِ خَلَقَهُمْ وَهُوَ قَوْلُهُ «وَلِذَلِكَ خَلَقَهُمْ» يَقُولُ لَطَاعَةَ الْإِمَامِ الرَّحْمَةِ الَّتِي يَقُولُ «وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ»؛

ابوعبیده حذاء گوید: از امام باقر عليه السلام راجع به استطاعت و گفتار مردم در آن باره پرسیدم حضرت این آیه را تلاوت نمود: «مردم پیوسته مختلف خواهند بود (از لحاظ عقیده)، جز آنکه را پروردگارت ترحم کند (و براه حق هدایتش فرماید) و ایشان را برای ترحم آفریده» و فرمود: ای اباعبیده! مردم در رسیدن به قول حق مختلفند و همگی در هلاکتند (حق را کنار گذاشته از باطل ها پیروی می کنند). من عرض کردم: خدا می فرماید «جز کسی را که پروردگارت ترحم کند؟» فرمود آنها شیعیان ما هستند و خدا آنها را برای رحمتش آفریده، از این رو فرمود: «ایشان را برای ترحم آفرید» یعنی برای اطاعت امام آفرید و امام همان رحمتی است که خدا می فرماید: «رحمت من همه چیز را فرا گرفته».

بنابراین اصل خلقت، برای این است که رحمت خدای متعال، شامل مردم شود، از طریق اطاعت امام لذا خود رابطه امام با مردم، بر اساس رحمت شکل می گیرد که این همان چیزی است که مورد بحث ماست که رحمت رحیمی است.

به روایاتی که در این خصوص وارد شده اشاره می کنیم:

مرحوم کلینی روایت می کند:

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ صَالِحِ بْنِ السَّنْدِيِّ^۳ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ بِشِيرٍ عَنْ حَنَانٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله:

«لَا تَصْلُحُ إِلَّا مِمَّا مَآءُ إِلَّا لِرَجُلٍ فِيهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ وَرَعٌ يَحْجُزُهُ عَنْ مَعَاصِي اللَّهِ وَحِلْمٌ يَمْلِكُ بِهِ غَضَبَهُ وَحُسْنُ الْوَلَايَةِ عَلَى مَنْ يَلِي حَتَّى يَكُونَ لَهُمْ كَالْوَالِدِ الرَّحِيمِ»؛

۱. مراد «اختیار» در مقابل جبر است.

۲. کافی؛ ج ۱، ۴۲۹.

۳. بنابر اینکه ما رجال کامل الزیارات را ثقه بدانیم، صالح بن سندی که از رجال کامل الزیارات است، ثقه است و لذا حدیث صحیح السند است.

۴. کافی؛ ج ۱، ص ۴۰۷.

رسول خدا ﷺ فرمود: امامت شایسته نیست، جز برای مردی که دارای سه خصلت باشد: ۱. تقوی و ورعی که او را از نافرمانی خدا باز دارد، ۲. خویشتن داری که خشمش را آن کنترل کند. ۳. نیکو حکومت کردن بر افراد زیر فرمانش، تا آنجا که نسبت به ایشان مانند پدری مهربان باشد.

شاهد بحث ما خصلت سوم است، که حضرت حُسن الولاية را اینگونه تفسیر کرده که «حَتَّى يَكُونَ لَهُمْ كَالْوَالِدِ الرَّحِيمِ» یعنی آنچنان حسن ولایت داشته باشد که همچون پدری مهربان با مردم رفتار کند. روایت دیگر در همین خصوص روایتی است که در گذشته، به مناسب دیگری آن را مطرح کرده ایم که از لحاظ سندی صحیح است:

عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ حَمَّادٍ وَغَيْرِهِ^۱ عَنْ حَنَانِ بْنِ سَدِيرٍ الصَّيْرَفِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ:

«نُعِيَتْ إِلَى النَّبِيِّ ﷺ نَفْسُهُ وَهُوَ صَاحِبُ لَيْسَ بِهِ وَجَعٌ. قَالَ: نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ. قَالَ فَتَنَادَى ص الصَّلَاةَ جَامِعَةً وَأَمَرَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارَ بِالسَّلَاحِ وَاجْتَمَعَ النَّاسُ فَصَعِدَ النَّبِيُّ ص الْمِنْبَرَ فَنَعَى إِلَيْهِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ قَالَ أَذْكُرُ اللَّهَ الْوَالِيَّ مِنْ بَعْدِي عَلَى أُمَّتِي أَلَا يَرْحَمُ عَلَى جَمَاعَةِ الْمُسْلِمِينَ فَأَجَلَ كَبِيرُهُمْ وَرَحِمَ ضَعِيفَهُمْ وَفَرَّ عَالِمَهُمْ وَلَمْ يَضُرَّ بِهِمْ فَيَذِلَّهُمْ وَلَمْ يُفْقِرْهُمْ فَيَكْفُرْهُمْ وَلَمْ يُغْلِقْ بَابَهُ دُونَهُمْ فَيَأْكُلْ قُوِيَّهُمْ ضَعِيفَهُمْ وَلَمْ يَخْبِرْهُمْ فِي بُعْثِهِمْ فَيَقْطَعَ نَسْلَ أُمَّتِي ثُمَّ قَالَ قَدْ بَلَغْتُ وَنَصَحْتُ فَأَشْهَدُوا. وَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: هَذَا آخِرُ كَلَامٍ تَكَلَّمَ بِهِ رَسُولُ اللَّهِ ص عَلَى مِنْبَرِهِ^۲؛

سدیر صیرفی گوید: شنیدم امام صادق علیه السلام می فرمود: به پیغمبر ﷺ خبر وفاتش داده شد، در صورتی که تن درست بود و دردی نداشت - این خبر را جبرئیل آورد- حضرت برای نماز همگانی جار زد و مهاجر و انصار را دستور داد تا سلاح بگیرند، مردم جمع شدند و پیغمبر ﷺ بر منبر برآمد و خبر وفات خود را به آنها داد و سپس فرمود: «خدا را به والی بعد از خود بیاد می آورم، از اینکه حتما بر جماعت مسلمین

۱. عبدالرحمن بن حماد، هم ابن ابی عمیر از او روایت کرده، لذا به این دلیل ثقه حساب می شود و هم از رجال کامل الزیارات است؛ [لذا سند تام است] و همچنین «غیره» دارد و گفتیم معمولا از غیر، بیش از یک نفر را اراده می کنند.

۲. «آلا»، ترکیبی از «ان» و «لا» نیست؛ بلکه «آلا» خود از ادوات تأکید است. مانند آیه که می فرماید: لَسَاءُ يَعْلَمُ أَهْلُ الْكِتَابِ أَلَّا يُقْدِرُونَ عَلَى شَيْءٍ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ (الحديد، ۲۹) که معنایش می شود: تا اهل کتاب بدانند که قادر بر چیزی از فضل خدا نیستند.

۳. کافی؛ ج ۱، ص ۴۰۶.

رحم کند، باید بزرگشان را احترام کند و به ضعیفشان رحم کند و عالیشان را بزرگ شمرد و به آنها زیان نرساند تا خوارشان کند و نیازمندشان نسازد تا از دینشان بدر برد و درب خانه خود را به روی آنها نبندد (و از حال آنها بی خبر نماند) تا توانای آنها ناتوانشان را بخورد و در لشکر کشی آنها سختی روا ندارد [همه را در مرزها نگه ندارد] تا نسل امت را قطع کند، سپس فرمود: شاهد باشید که من ابلاغ کردم و خیر خواهی نمودم». امام صادق علیه السلام فرمود: این آخرین سخنی بود که پیغمبر صلی الله علیه و آله بالای منبرش فرمود.

شاهد ما عبارت «الَّا يَرْحَمُ عَلَى جَمَاعَةِ الْمُسْلِمِينَ» است که تأکیدی است بر وجوب اینکه والی باید شیوه رحمت و مهربانی را در جامعه مسلمین در پیش بگیرد.

مرحوم کلینی روایت دیگری نقل می کند که ارسال در سند آن وجود دارد:

مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ وَغَيْرُهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ رَجُلٍ عَنْ حَبِيبِ بْنِ أَبِي ثَابِتٍ قَالَ: «جَاءَ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام عَسَلٌ وَتَيْنٌ مِنْ هَمْدَانَ وَحُلْوَانَ فَأَمَرَ الْعُرْقَاءَ أَنْ يَأْتُوا بِالْيَتَامَى فَأَمَّكَهُمْ مِنْ رُءُوسِ الْأَزْقَاقِ يَلْعُقُونَهَا وَهُوَ يَقْسِمُهَا لِلنَّاسِ قَدَحًا قَدَحًا فَقِيلَ لَهُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ مَا لَهُمْ يَلْعُقُونَهَا؟ فَقَالَ إِنَّ إِيَّامَا بَوَالِيَتَامَى وَإِنَّمَا أَلْعَقْتُهُمْ هَذَا بِرِ عَايَةِ الْأَبَاءِ»^۲؛

حبیب بن ابی ثابت گوید: از همدان و حلوان (شهریست نزدیک بغداد) برای امیرالمؤمنین علیه السلام عسل و انجیر آوردند، حضرت به نقیبان و رؤساء اصحابش دستور داد تا یتیمان را حاضر کنند، سپس سر مشک های عسل را در اختیار آنها گذاشت تا بلیسند و خود عسلها را قدح، قدح، به مردم تقسیم می کرد. به حضرت عرض شد: ای امیرمؤمنان! چرا باید یتیمان سر مشک ها را بلیسند؟ فرمود: زیرا امام پدر یتیمانست و من به حساب پدرها لیسیدن آنها را به ایشان واگذاشتم.

شاهد ما عبارت «أَلْعَقْتُهُمْ هَذَا بِرِ عَايَةِ الْأَبَاءِ» که حضرت می فرماید خواستم اینان همان مهری که پدران به فرزندان شان دارند را احساس کنند.

از این آیات و روایات استفاده می شود که شیوه عمومی امام _ نه فقط به عنوان یک امر اخلاقی بلکه به عنوان یک وظیفه که فرمود: لَا تَصْلُحُ الْإِمَامَةُ إِلَّا لِرَجُلٍ فِيهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ... حُسْنُ الْوَلَايَةِ عَلَى مَنْ يَلِي حَتَّى يَكُونَ لَهُمْ كَالْوَالِدِ الرَّحِيمِ _ رفتار مهربانه است و از این روایتی که از امیرالمؤمنین علیه السلام خواندیم، معلوم می شود که این رفتار مهربانانه باید طوری باشد که شخص، این مهربانی را نیز احساس کند و اینکه در دلش مهربان و عطوف باشد، کافی نیست؛ بلکه باید طوری باشد که مردم و کسانی که تحت ولایت او هستند، این مهربانی

۱. همدان في النسخ بالمهملة وفي القاموس بالذال المعجمة: بلد بناه همدان بن الفلوج بن سام بن نوح و حلوان بالضم من بلاد كردستان قريية من بغداد.

۲. کافی؛ ج ۱، ص ۴۰۶.

را احساس کنند و ظهور در مهربانی و شفقت داشته باشد. همان حالت رحمتی که در امام بوده است، امام را
وامی داشته به اینکه با دست خودش به عنوان «کالوالد الرحیم» به نیازمندان و فقرا رسیدگی کند و ظاهراً شیوه
تمام ائمه اطهار علیهم السلام این بوده و مخصوص حضرت امیر علیه السلام و یا امام سجاد علیه السلام - که درباره این دو بزرگوار
روایت بیشتر آمده - نیست.